

بناء الفعل المجهول واستعماله وأخطائه في اللغة الفارسية

أ.م.د. : نهلة داود سلمان

كلية اللغات / جامعة بغداد

قسم اللغة الفارسية

The Impact of employing the harvest
strategy in developing syntactic skills among
middle school students.

Keyword: employment, harvesting, syntactic
skills

Baida Hassan Hussein (M.A University of
Diyala

Presidency of the University
Badaahassn1234@gmail.com

اخترنا هذا الموضوع الموسوم بـ (بناء الفعل المجهول واستعماله وأخطائه في اللغة الفارسية) نظرا لأهميته في قواعد اللغة الفارسية . فدرسنا أولاً الفعل المعلوم الذي من خلاله سنتعرف على كيفية صياغة فعل المبني للمجهول ، وماهى العلاقة بينه وبين المعلوم التي من خلال دراستنا سنوضحها لمتعلم اللغة حتى يفهم كيفية استعماله سابقا وحاليا ، وماهى المعاني التي يستعمل فيها المعنى الخاص بالمجهول بدون استخدام القاعدة القانونية لاشتقاق فعل المبني للمجهول . وكذلك نوضح الأخطاء الشائعة التي قد استخدمت في ترجمته إلى اللغة العربية . استهدفت هذه الدراسة صورة المبني للمجهول في اللغة الفارسية حتى يستطيع أن يستفيد متعلم اللغة منها ويستعمله في الجمل التي يعده البعض بمثابة مفهوم الجملة القصيرة أو المختصرة في اللغة الفارسية .

سار الباحث في عمله هذا على وفق المنهج الوصفي - التحليلي للفعل المبني للمجهول لكي يوضح القواعد الأساسية التي ينبغي أن يتعلمها في استعمالها حتى يتجنب الوقوع بالأخطاء عند ترجمته .

الكلمات المفتاحية :

الفعل المعلوم ، الفعل المجهول ، استعمال قاعدة بناء المجهول ، الأخطاء في ترجمة فعل المجهول .

Abstract

Due to its importance in the Persian Language rules, we have chosen this subject titled (The Passive Voice Construction: Uses and Misuses in Persian Language). First of all, we studied the active voice through which we could know how to construct the passive voice and the relation between the active and the passive which is through our study we are going to explain it to the learner of the language so that he/she can understand how to use the passive in the past and now. Furthermore, we will learn what are the meanings in which the passive voice is used without using the logical rule to derive the passive voice. Likewise, we will explain the common mistakes that are used in the translation of passive voice to the Arabic language. The present study aims to manifest the image of the passive voice in Persian language, so that the learner can get use of and use it in sentences that some people consider as short or abbreviated sentences in Persian language.

The researcher uses the descriptive- analytical principle of the passive voice to clarify the basic rules that the learner must know in using it to avoid making mistakes in translation

چكیده :

ما این موضوع را معروف به (ساختمان فعل مجهول و کاربرد اشتباهات آن در زبان فارسی) به دلیل اهمیت آن در دستور زبان فارسی انتخاب کردیم . و اولین بار فعل معلوم را مورد مطالعه دادیم که با آن یاد خواهیم گرفت که چگونه فعل ساخته شده برای مجهول را تنظیم کنیم ، و چه ارتباطی میان فعل مجهول و فعل معلوم وجود دارد که از راه مطالعه ما ، آن را به زبان آموز توضیح خواهیم داد تا او بفهمد چگونه قبلا و در حال حاضر از آن استفاده کرده و معانی که در آن معنی مخصوص مجهول استفاده می شود چیست ، بدونی که قاعده قانون اشتقاق فعل مجهول را بکار می برد . و همچنین اشتباهات رایج را که از راه ترجمه آن به زبان عربی بکار برده است ، روشن کنیم .

این مطالعه ساختمان فعل مجهول را هدف قرار داده است تا زبان آموز بتواند از آن استفاده کند و آنرا در جمله هایی که عده ای ، آن را به مثابه مفهوم جمله کوتاه یا فشرده در زبان فارسی به حساب می آیند ، بکار می برد .

پژوهنده در کار خود بر طبق روش توصیفی - تحلیلی فعل ساخته شده ی مجهول پیش رفت ، به منظور روشن شدن قوانین اساسی که باید از آنها استفاده کند تا از اشتباه در هنگام ترجمه ی آن خوداری کند .

کلید واژه ها : فعل معلوم ، فعل مجهول ، کاربرد قاعده ساختمان مجهول ، اشتباهات در ترجمه فعل مجهول .

مقدمه :

همه می دانیم که فعل معلوم : آنست که فاعل آن معین و آشکارا باشد ، یعنی فعل به فاعل نسبت داده شده باشد . فعل ناگذرا و گذرا هر دو بصورت معلوم می توانند آمد ، مانند : پرویز رفت . پروین نامه را نوشت.

اما مفهوم فعل مجهول آن است که نهادش ناشناخته باشد و فعل به مفعول اسناد داده شود مثلا : (سیب خورده شد .) (نک :

فرشید ورد ، ۱۳۸۴ : ص ۲۷ ، ۴۲۷ ، ۴۲۷ : ۴۲۷ ، ۴۲۷ : ۴۲۷) و این مفهوم همین معنی در زبان عربی فعل مجهول فعلی

است که نهاد آن حذف شده و مفعول به جای آن می باشد مانند : « کتبت الرسالة » می شود « نوشته شد » (نک شرتونی ، ۱۳۳۱ ، ۴ - ۲۷ : see . šaroni:4-27 1331) .

اهمیت و کاربرد دستور ساختمان فعل مجهول و معنای آن از آنجا آشکار می شود که به طور کلی در امر ترجمه شناخت دستور دو زبان مورد نظر بسیار مهم و تأثیر گذار است ؛ بویژه در مورد زبان های فارسی و عربی که تعامل نزدیکی با یکدیگر دارند و زبان آموزان زیادی در هر دو بخش مشغول تحصیل اند .

در بررسی آغاز به مطالعه ی ساختار فعل معلوم در زبان فارسی پرداخته ، دیدگاه های تازه مورد بررسی قرار می گیرد . سپس ساختمان سنتی و معمول فعل مجهول در زبان و نیز شیوه های جدید ترجمه مجهول سازی در این زبان یاد آوری شده است ، و در قسمت پایانی پژوهش ما به بررسی ساختار مجهول فارسی و عربی پرداخته ، تفاوتها و شباهت های این نوع فعل در دستور دو زبان را مورد مذاقه قرار می دهیم . ما در اینجا باید سه مسئله مهمی طرح کنیم: آیا می توان ساختارهای دیگری یافت که از نظر معنایی مجهول به حساب آیند ؟ وجه رابطه ای میان ساختارهای دستوری و معنایی فعل مجهول در زبان هست ؟ و شباهت دستوری و معنایی فعل مجهول در فارسی چیست ؟ یافته این مطالعه ممکن است از زیادی خطاهای دانشجویان و آموزان در ترجمه بکاهد . و از مجموعه ی نتیجه گیری های آن می توان به این مورد اشاره کرد که در زبان فارسی یک فعل کمکی به عنوان مجهول ساز شناخته شده است ، و همچنین در زبان فارسی فعل های دو وجهی وجود دارد .

فعل معلوم : « فعلی است که به نهاد نسبت می دهند ، مثلا : (نجار تخته را برید .) »

(وحیدیان ، ۱۳۹۲ : ۵۰ ، 50 : 1392 ، Vahiyn)

ساختمان فعل در زبان فارسی از نظر ساختمان در شش گروه زیر تقسیم بندی می شود :

- فعل ساده : فعلی است که از ریشه ی گذشته و « ن » مصدری ساخته شده و ریشه ی حال آن یک تکواژ است . مانند : (دیدن ، گرفتن ، خریدن ، نوشتن)

- فعل پیشوندی : فعلی است که از ترکیب یک پیشوند و فعل ساده تشکیل شده است . مثلا : (برگشتن ، برداشتن ، فرا گرفتن ...)

- فعل مرکب : فعلی است که از ترکیب یک اسم یا صفت و یک فعل ساده ساخته می شود و مجموعا یک معنی را می سازد : مانند : (یاد گرفتن ، آه کردن ، بند کردن ، نشان دادن ، رخ دادن)

- فعل پیشوندی مرکب : این فعل از ترکیب یک اسم ، یک پیشوند و یک فعل ساده ساخته میشود . مثلا : (سر در آوردن ، سرباز زدن)

- عبارتهای فعلی : به دسته ای از کلمه ها گفته می شود که مجموعه ای آنها یک معنی دارد . عبارت فعلی اغلب با یک فعل ساده یا فعل مرکب هم معنی است . عبارتهای فعلی معمولا بیشتر از دو کلمه هستند و یکی از آنها حرف اضافه است که در اول ترکیب می آید . معمولا مجموعه کلمه های عبارت فعلی معنی مجازی دارند . (به پایان رساندن ، در آغوش گرفتن ، به کار افتادن ، از دهان افتادن)

- فعل های یک شخصه : این فعل ها مفعول ندارند و فقط به شکل سوم شخص مفرد می شوند . در این فعل ها ، ضمیرهای پیوسته ی مفعولی و اضافی (م ، ت ، ش ، مان ، تان ، شان) نشان دهنده ی شخص فعل هستند . « مثلا (خوش آمدن : خوش آمد . یاد رفتن = یادم رفت ، یادت رفت ، یادش رفت ، یادمان رفت ، یادتان رفت ، یادشان رفت .) و به آن بسنج .

(نک . جعفری ، ۱۳۹۰ : ص ۱۸ - ۱۹ ، see . Ja'fari, 1390:pa 18-19)

زمان فعل در زبان فارسی :

۱- گذشته ی ساده : زمان گذشته ی استمراری ، گذشته ی نقلی ، گذشته ی دوریا بعید ، گذشته ی التزامی یا شکی ، گذشته ی نقلی بعید ، گذشته ی نقلی استمراری ، گذشته ی نقلی مستمر یا ناتمام ، گذشته ی ناتمام یا مملوس یا جاری یعنی (زبان فارسی معمولی) .

ساختمان گذشته ی ساده : { بن گذشته + شناسه در حالت فاعلی } :

شناسه ی - شخص سوم جمع	شناسه ی - شخص دوم جمع	شناسه ی شخص اول جمع	شناسه ی شخص سوم مفرد	شناسه ی - شخص دوم مفرد	شناسه ی - شخص اول مفرد	بن گذشته
-----------------------------	-----------------------------	---------------------------	----------------------------	------------------------------	------------------------------	----------

نوشتند	نوشتید	نوشتیم	نوشت	نوشتی	نوشتم	نوشت
نوشتند	نوشتید	نوشتیم	نوشتید	نوشتیدی	نوشتیدم	نوشتید

- دو سال گذشته شما در این مدرسه درس خواندید .
- چندی برادرم تجربه هایش را به صورت مقاله ای انتشار داد . (نک . وحیدیان ، ۱۳۹۲ : ص ۴۱ ، وجعفری ، ۱۳۹۰ : ص ۳۸ ، see . Ja'fari, 1390:pa38 . Vahiyn, 1392: 41)
- گذشته‌ی استمراری : { می « در آینده یا همی در سنتی » + بن گذشته + شناسه در حالت فاعلی }

بن گذشته	شناسی	شناسه‌ی -	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی
شخص اول	شخص دوم	شخص سوم	شخص اول	شخص دوم	شخص سوم	شخص سوم
مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	جمع	جمع	جمع
می فروختم	می فروختی	می فروختی	می فروخت	می فروختیم	می فروختید	می فروختند
می ساخت	می ساختی	می ساختی	می ساخت	می ساختیم	می ساختید	می ساختند

- من قبلا در این رستوران غذا می خوردم .
- شما همیشه در گذشته مثل آنها لباس می پوشیدید . (نک . جعفری ، ۱۳۹۰ : ۶۵ - ۶۷ ، see .

(Ja'fari, 1390:pa 18)

- فعل گذشته‌ی نقلی : { بن گذشته + ه + (ام ، ای ، است ، ایم ، اید ، اند) }

بن گذشته	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی
شخص اول	شخص دوم	شخص سوم	شخص اول	شخص دوم	شخص سوم	شخص سوم
مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	جمع	جمع	جمع
نوشته ام	نوشته ای	نوشته ای	نوشته است	نوشته ایم	نوشته اید	نوشته اند
سوخته ام	سوخته ای	سوخته ای	سوخته است	سوخته ایم	سوخته اید	سوخته اند

- احمد هنوز یاد داشته‌ایش را نمی سوخته است .

- ایمان به اندیشه و مذهب تازه ، روح اسفندیار را تسخیر کرده است . (وحیدیان : ص ۴)

- گذشته‌ی نقلی استمراری و گذشته‌ی نقلی مستمر . و گذشته‌ی بعید نقلی :

- نقلی استمراری { می + بن گذشته + ه + شناسه‌ی مرخم « استن » } و { داشت + ه + شناسه « ام ، ای ... » } می + بن گذشته + « شناسه « ام ، ای » } و { بن گذشته + ه + بود + ه + شناسه « ام ، ای » }

بن گذشته	شناسه‌ی -	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی
شخص اول	شخص دوم	شخص سوم	شخص اول	شخص دوم	شخص سوم	شخص سوم
مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	جمع	جمع	جمع
می نوشته ام	می نوشته ای	می نوشته ای	می نوشته است	می نوشته ایم	می نوشته اید	می نوشته اند
داشته‌ام	داشته‌ای	داشته‌ای	داشته‌است	داشته‌ایم	داشته‌اید	داشته‌اند
دیده‌بوده‌ام	دیده‌بوده‌ای	دیده‌بوده‌ای	دیده‌بوده‌است	دیده‌بوده‌ایم	دیده‌بوده‌اید	دیده‌بوده‌اند

- ادیبان و هنرمندان میراث فرهنگی آن اجتماع را غنی‌تر می ساخته اند و آن را از نسلی به نسل دیگر می رسانده اند .

- این کتاب را پدر بزرگم به پدرم داده بوده است ، (گیوی و انوری ، ۱۳۷۱ : ۴۶ ، ۴۷ . Givi nad

('anvari , 1371: pa46-47)

- گذشته‌ی دور یا بعید : { بن گذشته + ه + بود + شناسه }

بن گذشته	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی	شناسه‌ی
شخص اول	شخص دوم	شخص سوم	شخص اول	شخص دوم	شخص سوم	شخص سوم
مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	جمع	جمع	جمع
بازی کرده بودم	بازی کرده بودی	بازی کرده بودی	بازی کرده بود	بازی کرده بودیم	بازی کرده بودید	بازی کرده بودند
شناخته بودم	شناخته بودی	شناخته بودی	شناخته بود	شناخته بودیم	شناخته بودید	شناخته بودند

- وقتی مادر به خانه رسید ، غذا سوخته بودند .

- آن‌ها شهر بزرگی در این منطقه ساخته بودند .

گذشته‌ی التزامی : { بن گذشته + ه + باش + شناسه }

شناسه ی شخص سوم جمع	شناسه ی شخص دوم جمع	شناسه ی شخص اول جمع	شناسه ی شخص سوم مفرد	شناسه ی شخص دوم مفرد	شناسه ی شخص اول مفرد	بن گذشته
بازی کرده باشند	بازی کرده باشید	بازی کرده باشیم	بازی کرده باشد	بازی کرده باشی	بازی کرده باشم	بازی کرد
شتافته باشند	شتافته باشید	شتافته باشیم	شتافته باشد	شتافته باشی	شتافته باشم	شتافت

- شاید همه ی مردم ایران داستان « طوطی و بازرگان » را شنیده باشند . (نک . جعفری ، ۱۳۹۰ : ص ۱۰۹ ، see . Ja'fari , 1390:pa1098)

- حال اخباری یا استمراری : { می + بن حال + شناسه }

شناسه ی- شخص سوم جمع	شناسه ی- شخص دوم جمع	شناسه ی- شخص اول جمع	شناسه ی- شخص سوم مفرد	شناسه ی- شخص دوم مفرد	شناسه ی- شخص اول مفرد	بن حال
بازی می کنند	بازی می کنید	بازی می کنیم	بازی می کند	بازی می کنی	بازی می کنم	بازی کن
می پرسند	می پرسید	می پرسیم	می پرسد	می پرسی	می پرسم	پرس

- تو واو هر روز فیلم را تماشا می کنیدی .
- در این مبحث ، توجه خواننده را به دو نکته جلب می کنیم .
- فعل حال التزامی : { ب + بن حال + شناسه }

شناسه ی شخص سوم جمع	شناسه ی- شخص دوم جمع	شناسه ی- شخص اول جمع	شناسه ی- شخص سوم مفرد	شناسه ی- شخص دوم مفرد	شناسه ی شخص اول مفرد	بن حال
بشویند	بشوید	بشویم	بشوید	بشوید	بشویم	شو « ی »
ورزش کنند	ورزش کنید	ورزش کنیم	ورزش کند	ورزش کنی	ورزش کنم	ورزش کن

- کوهنوران تصمیم گرفتند به بالای کوه بروند . آنها دوست داشتند تا شب بالای کوه برسند . (جعفری ، ۱۳۹۰ : ص ۵۳ ، see . Ja'fari , 1390:pa 53)

- فعل آینده : { خواه + شناسه + مصدر مرخم }

شناسه- شخص سوم جمع	شناسه ی- شخص دوم جمع	شناسه ی شخص اول جمع	شناسه ی- شخص سوم مفرد	شناسه ی- شخص دوم مفرد	شناسه ی شخص اول مفرد	مصدر مرخم
خواهند شناخت	خواهید شناخت	خواهیم شناخت	خواهد شناخت	خواهی شناخت	خواهم شناخت	شناخت
کوشش- خواهند کرد	کوشش- خواهد کرد	کوشش- خواهیم کرد	کوشش- خواهد کرد	کوشش- خواهی کرد	کوشش- خواهم کرد	کوشش کرد

- آنها هدیه های کارمندان را فردا دریافت خواهند کرد .
- سال آینده هن او دوستانش را به جشن تولدش دعوت خواهد کرد .
- امروزه فعل حال استمراری که به معنای آینده باشد به کار می برند .
- سال آینده ، من او دوستانش را به جشن تولدش دعوت می کنند .
- فعل سببی : « فعل های متعدی ای هستند که دو مفعول دارند . در واقع یک مفعول باعث انجام کار توسط دیگری می شود . از بعضی از فعلهای متعدی می توان سببی ساخت ، اما از همه ی فعل های متعدی نمی توان فعل سببی ساخت . » (جعفری ، ۱۳۹۰ : ص ۱۲۵ ، see . Ja'fari , 1390:pa125)

فعل سببی : { بن حال + اندن یا انیدن }

رسیدن = رس + اندن یا انیدن = رساندن یا رسانیدن ، خوردن یا خوردنیدن و این فعل شامل فعل گذرا و فعل ناگذرا است . وبه مثابه ی مصدر جدید می شود واز آن بن گذشته وبن حال می گیرد وباهمه ی فعل ها تصریف می شود .
فعل مجهول :

فعل مجهول را به مفعول جمله معلوم - که اکنون نهاده شده نسبت می دهند. و به عبارت دیگر فاعل فعل مجهول ذکر نشده بجای آن مفعول جمله را تشکیل می دهد.

{ بن گذشته + تصریف « شدن » با همهی انواع فعل ها }

فعل معلوم	فعل مجهول	زمان	ترجه ی عربی
نوشت	نوشته شد	گذشته	كُتِبَ
می نوشته	نوشته می شد	گذشته ی استمراری	كان يُكْتَبُ
نوشته است	نوشته شده است	گذشته ی نقلی	قد كُتِبَ
نوشته بود	نوشته شده بود	گذشته ی بعید	كان قد كُتِبَ
داشت می نوشت	داشت نوشته می شد	گذشته ی مستمر	يكون قد كُتِبَ
می نوشته	نوشته می شده	گذشته ی نقلی مستمر	يكون قد كُتِبَ
نوشته بوده	نوشته بوده شده	گذشته ی بعید نقلی	كان قد كُتِبَ
می نویسد	نوشته می شود	حال استمراری	يُكْتَبُ
بنویسد	نوشته بشود	حال التزامی	أَنْ يَكْتَبَ-
خواهد نوشت	نوشته خواهد شد	آینده	سَيُكْتَبُ

- جمله چگونه مجهول می شود ؟ قبل از به سؤال پاسخ بدهیم . باید مراحل جمله ی معلوم را معرف کنیم :

یعنی جمله ی معلوم در زبان فارسی ممکن است از چند نوع تشکیل بشود :

یا : { نهاد + مفعول + فعل معلوم } مانند : (ستاره ، خانه اش را فروخته است)

یا : { نهاد + مفعول + متمم + فعل معلوم } مانند : (محمد قلم را از علی گرفت) یا : { نهاد + متمم + فعل معلوم } (آن - ها از ایران پاسداری می کنند .)

یا { نهاد + متمم + مفعول + فعل معلوم } مثلا : (رئیس دادگاه از او اقرار گرفت .) در اینجا می بینیم که فعل « اقرار گرفت » فعل مرکب نیست بلکه فعل + مفعول می باشد . وترجمه ی آن در زبان عربی به این طور است : (أخذ القاضي منه الاعتراف .)

یا { مفعول + مسند + فعل } مانند : (همه ، حافظ را لسان الغیب می خوانند . ما ، او را دانشمند می نامیم .)

بعضی می گویند : فعل مجهول از فعل متعدی ساخته می شود . مثلا : « خانه اش فروخته شده است . » و این

گفتار درست است چون همه ی زبانها ، فعل مجهول را از فعل گذرا می سازند . و گاهی هم اگر نائب فاعل مصدر یا ظرف باشد می توان از فعل لازم ، مجهول ساخت : « مدتی طولانی ، شب زنده داری شد . » یا « ماه رمضان روزه گرفته شد . »

یعنی در زبان فارسی مفعول پس از مجهول شدن فعل « مسند الیه » نامیده میشود ، و در دستور زبان عربی این مفعول به

عنوان « نائب فاعل » اطلاق می شود . (حلمی ، ۱۹۹۳ : ص ۴۱ ، Halmi , 1993: pa41)

اما مراحل جمله ی مجهول از این قرار است :

- ۱- نهاد را حذف می کنیم .
- ۲- مفعول جمله را نهاد قرار می دهیم ، و نشانه مفعولی را حذف می کنیم .
- ۳- فعل جمله را به صفت مفعولی تبدیل می کنیم .
- ۴- از « شدن » فعلی متناسب با زمان اصلی به صفت مفعولی می افزاییم .
- ۵- شناسه را بانهاد جدید مطابقت می دهیم .

یعنی جمله ی معلوم بالا به طور می شود . (خانه اش فروخته شده است .) = (قد بُعِ مَنْزِلُهُ)

و همچنان که دیدیم همیشه پس از مجهول ساختن فعل ، شناسه آن بانهاد جدید مطابقت داده می شود : مثلا :

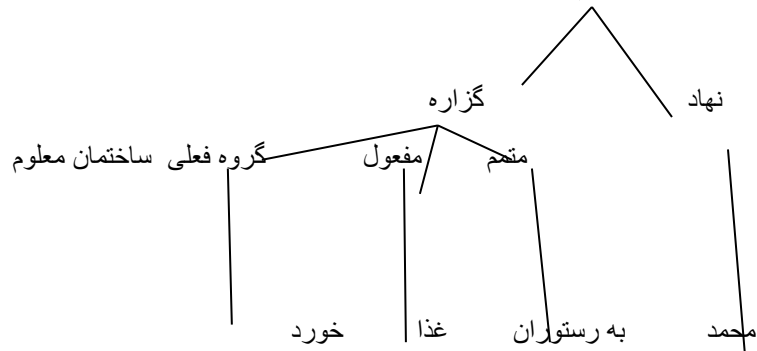
چوبان ، گاو و گوسفندان را به صحرا می برند . می شود (گاو و گوسفندان به صحرا برده می شوند .) (أخذت

الابقار والخرفان إلى الصحراء .) (نک . وحیدیان ، ۱۳۹۲ : ص ۵۱-۵۲ ، Vahidiyān , 1392: pa 51-52)

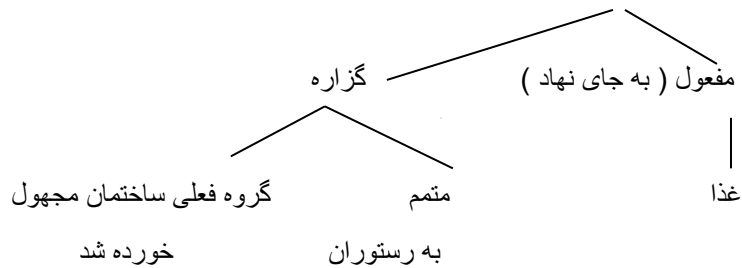
و حیدیان ذکر می کند : « فعل امر در زبان فارسی بندرت مجهول می شود . برخلاف زبان عربی مبنی مجهول بصورت امر نمی آید . (بروید و در راه دفاع از حق کشته شوید) یعنی (اذهبوا وقتلوا فی سبیل الدفاع عن الحق .) « همان منبع قبلی ، ص ۵۱-۵۲ »

در زبان فارسی تمایل بر این است که اگر نهاد مشخص باشد، تاوقتی می توان از ساختمان معلوم استفاده کرد از مجهول استفاده نشود: مثلاً: { این غزل توسط یا «بوسیله یا از راه» حافظ سروده است. باید اینجا فعل این جمله بشکل معلوم باشد. (این غزل را حافظ سروده است. یعنی اگر فعل به صورت مجهول به کار برود، نهاد آن حذف شود؛ یعنی یک جزء آن کاسته می شود. به نمودار زیر توجه کنید:

- اگر جمله معلوم چهار جزئی باشد، به این طور می شود.



همان جمله در شکل مجهول می باشد، وبه این طور می شود.



می یابیم که «کاربرد فعل مجهول در فارسی زیاد نیست و تنها در موارد زیر ممکن است.

- ۱- «در مواردی که گوینده، نهاد را نمی شناسد یا نمی خواهد نامش را افشا کند.
- ۲- در مواردی که گوینده یا نویسنده فکر می کند خواننده نهاد را می شناسد.
- ۳- در مواردی که گوینده یا نویسنده اطلاعات را بدهی و بسیار روشن فرض می کند: مثلاً: زمین و آسمان آفریده شد.» (وحیدیان، ۱۳۹۲: ۵۲، ۵۲-۵۳ (Vahidiyān, 1392: pa-52)

- جاهای کاربرد ساختار فعل مجهول در زبان فارسی بر این قرار است:

۱- وقتی که نهاد در فارسی معلوم مانند: «آسمانها و زمین آفریده شد.» نهاد فقط از نظر دستور نامعلوم است، ولی در معنا پیداست که نهاد، خدای متعال است. پس فعل آن جمله از لحاظ معنایی، مجهول است. در اینجا می بینیم که کاربرد صیغهی سوم شخص جمع در برخی از موارد، به عنوان یکی از حالت های مجهول معنایی معرفی می شود. (نک: زرکوب و رضایی، ۱۳۹۱: ص ۹۵-۱۰۹، Zarkub and Razāyi, 1391:95-109)

۲- وقتی که اهمیت خود فعل مطرح است، نه نهاد، مانند: (خیابان بازارکنده شده است). یعنی (کنده شدن خیابان بازارمورد توجه است، نه کسی که آن را کنده است).

۳- وقتی اهمیت مفعول مطرح باشد، نه نهاد، در فارسی مانند: «خرمشهر باز پس گرفته شد.» (انوری و گیوی، ۱۳۷۱: ص ۷۰، 'anvari and Givi, 1371:pa 7)

۴- میل به اختصار و ایجاز، چون انگیزه های حذف نهاد متفاوت است، شاید بتوان موارد زیادی از حذف نهاد در فارسی را همچون زبان مصداق رعایت اختصار دانست، مانند: «فرمان داده شد که او را بیاورند.» لذا برخی دستور زبانان آن را فعل کوتاه ساز می نامند.

۵- تعظیم یا تحقیر فاعل، در زبان فارسی بعضی برای تعظیم یا تحقیر فاعل نام او از جمله حذف می شود، مانند: «امام حسین ع» کشته شد.» (زرکوب و رضایی، ۱۳۹۱: ۹۵، Zarkub and Razāyi, 1391:95)

معنای مجهول میان ترجمه ی زبان فارسی و عربی:

فعل مجهول عربی:

فعل ماضی معلوم عربی	فعل ماضی مجهول فارسی	ترجمه فعل مجهول عربی
أَكَل، تَعَلَّمَ، لَعِبَ	أَكَل، تَعَلَّمَ، لَعِبَ	خورده شد، آموخته شد، بازی شد

- هرگاه فعل مضارع ساخته شود، ما قبل آخرش مفتوح و حرف آغازین آمد (یکی از حروف انبیت) مضموم می شود.

فعل مضارع معلوم عربي	فعل مضارع مجهول فارسي	ترجمه فعل مجهول عربي
يَأْكُلُ ، يَتَعَلَّمُ ، يَلْعَبُ	يُكُلُّ ، يَتَعَلَّمُ ، يَلْعَبُ	خورده می شود ، آموخته می شود ، بازی می شود

از نظر صوتی : «ساخت فعل مجهول عربی تغییر صرفی در دو حرکت از حرکات فعل است که در نتیجه این تغییر صرفی ، تعدادی تغییرات صوتی در حرکات فعل رخ می دهد ... این تغییرات برحسب مکونات صوتی فعل و صفات صرفی آن از جمله صحیح بودن یا معتل بودنش ، مجرد یا مزید بودنش و ماضی یا مضارع بودن آن متفاوت است .» (الشَّمسان ، ۱۹۹۲)

۱ : (Al shamasan , 1992: pa1)

در نتیجه « صوتی در فعل مجهول برخی ساختارهای ظاهری آن با ساختارهای فعل معلوم یا ساختارهای افعال مجهول دیگر مطابقت پیدا می کند : شباهت ساختار ظاهری مجهول از فعل مجرد یا از فعل مضارع باب افعال : (رَجَعَ ، يَرْجَعُ ، يُرْجَعُ و أَرْجَعُ يُرْجَعُ يُرْجَعُ) و مانند شباهت ساختار ظاهری مجهول از افعال صحیح مضاعف با فعل امر این نوع افعال : (رَدَدَ يُرَدُّ رُدُّ و رَدَدَ يَرُدُّ رُدُّ) (همان منبع قبلی : ۲۹)

مفهوم فاعلی و عامل در جمل فارسی : « مفهوم فاعل حقیقی (فاعل منطقی) یا متمم فاعلی یا عامل متممی است که در واقع و در ژرف ساخت جمله فاعل بوده است ؛ ولی در روساخت صورت متممی دارد . این عنصر در فارسی امروز با « به دست » ، « به وسیله » ، « توسط » ، « از طریق » می آید .» (فرشید ورد ، ۱۳۷۵ : ص ۲۶۹ ، Faršid vard , 1375 : pa269) مثلاً در فارسی گفته می شود : (شاهنامه به دست فردوسی نوشته شد) ، « از طرف » و « از جانب » نیز گاه کاربردی مشابه موارد مذکور دارند ، مانند : (کتابی از سوی وی فرستاده شد .) (همان منبع قبلی :) در اینجا می بینیم که باید فعل این جمله های بصیغه معلوم باشد . چون نباید بگوییم : (ارسال رساله من جانبه .) یا (کتبت الشاهنامه بید الفردوسی .) باید بگوییم (فردوسی شاهنامه را نوشت .) و (او نامه ای فرستاد .) چنانکه در زبان عربی هرگاه فعلی به صیغه مجهول آورده شد ، دیگر صحیح نیست فاعل یا چیزی که دال بر فاعل باشد در جمله آورده شود ، مثلاً صحیح نیست که گفته شود : (غَوَيْبَ أَخُوكَ مِنَ الْمَعْلَمِ .) ، (حَوَيْبَ مِنْ جِهَةِ ..) ، (صَارَ مَحْمُودًا بَيْنَ النَّاسِ .) و (قِيلَ بِيَدِهِ ...) در این حالت باید فعل به صورت معلوم ذکر شود و گفته شود : (عَاقَبَ الْمَعْلَمُ أَخَاكَ .) ، زیرا فعل مجهول زمانی ساخته می شود که نسبت به فاعل بی اطلاع باشیم یا قصد مخفی کردن نامش را داشته باشیم . و مثلاً درست نیست که گفته شود : (أَخُوكَ مُعَاقَبٌ مِنَ الْمَعْلَمِ .) (شرتونی : ۴ / ۱۸۸۱) . و همچنین د. نجفی می گوید : « ذکر فاعل بعد از فعل مجهول ، در زبان فارسی نیز به عقیده بسیاری از صاحب نظران ، پسندیده نیست .» (نک . نجفی ، ۱۳۷۰ : ص ۱۲۰-۱۲۱ ، see. Najafi, 1370 : pa120-121) ، به نقل از معروف یحیی ، ۱۳۸۴ : ص ۲۲۲-۲۲۳ ، Ma'aruf yahyi

و یحیی چنین می گوید : اگر مفعول ، مورد تأکید نباشد ، در این حالت ، ممکن فاعل بر مفعول مقدم می شود . مثلاً : (فردوسی ، شاهنامه را نوشت .) (نک . همان منبع قبلی ، ص : ۲۲۳) ولی پیدا کردیم که در متون نظم و نثر قدیم ، ذکر فاعل در جمله های مجهول فارسی متداول بوده اما کاربرد آن به طور واسع نیست . یا فردوسی در شاهنامه چنین می گوید : - یکا یک نوشته بُد برکشته شد به دست یکی بنده برکشته شد .
چنینم نوشته بُد اختر بسر که من کشته کردم به دست پدر .
یعنی (من به دست پدر کشته می شوم .) (نک . فرشید ورد ، ۱۳۷۵ : ۱۲۲ ، Faršid vard , 1375 : pa122) ، به نقل از معروف یحیی ، ص ۲۲۳ ، Ma'aruf yahyi , 1384: pa223-223) لذا می بینیم که اغلب دستور نویسندگان ، فعل مجهول با همه شناسه تصریف می کردند . چون قبلاً با همه ی شناسه بکار می بردند . اما اکنون می بینیم که این فعل مجهول همان فعل عربی را تنها در شناسه ی مفرد غایب یا جمع غایب در زبان فارسی تصریف می کنند . یعنی امروز نمی شود این فعل به این طور تصریف بشود :
نوشته شدم ، نوشته شده ام ، نوشته شده است ، نوشته شده بودم ، نوشته شده باشم ، نوشته می شوم ، نوشته بشوم ، نوشته خواهم شد .
یعنی امروز آنرا تنها با شناسه ی سوم غایب تصریف می کنند : (نوشته شد ، نوشته شدند ، نوشته شده است ، نوشته می شود) بر آن بسنج .

امروز می بینیم که «در زبان فارسی گره برداری نحوی ، گاه با حضور فاعل ، فعل جمله را مجهول به کار می برند که اینگونه جمله ها خلاف ساخت زبان فارسی است . در این جمله ها اغلب از حرف اضافه مرکب (به توسط ، از سوی ، به وسیله ، و) اغلب جزء حرف اضافه ساده آن حذف می شود .» (استفاده می شود .» (نیکوبخت ، ۱۳۸۵ : ۷۲ ، Nigu , 1385: pa72

(baxt

برای مثال :

به جای (قانون اساسی توسط نمایندگان مجلس خبرگان تنظیم و تصویب شده است) باید بگوییم (قانون اساسی را نمایندگان مجلس خبرگاه تنظیم و تصویب کرده اند .)

و به جای (سیب به توسط علی خورده شد .) باید بگوییم : (سیب را علی خورد .)

آیا ساختار فعل مجهول ناگذرا است یا گذرا :

شریعت ضمن معرفی فعل مجهول می گوید: « باید این نکته را در نظر داشت که فعل « شد » یا « می شود » با کلمه قبل از خود یک فعل متعدی مجهول تشکیل می دهد یانه ، اگر چنین فعلی را توانست تشکیل بدهد آن را علامت مجهول حساب می کنیم .» (شریعت ، ۱۳۶۶ : ص ۱۶۷ ، Šari'at, 1366: pa167) بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که وی فعل مجهول را گذرا می داند . برخی نیز این ادعا را رد کرده ، و فعل مجهول را ناگذرا می دانند و اعتقاد دارند گذرا بودن اصل فعل دلیل بر گذرای خود فعل نمی شود و چه بسا افعال ناگذرای که به گذرا تبدیل می شوند (مانند/ دويد / دوانيد) و پس از این تبدیل ، دیگر ناگذرا شمرده نمی شوند ! این گروه در تأیید دیدگاه خود به فعل های دو وجهی که گاهی ناگذرا و گاهی گذرا اند ، اشاره می کنند و توضیح می دهند که ناگذرا این

افعال براین اساس است که در قسمت گزاره به کلمه دیگری (مفعول) نیاز ندارند؛ فعل مجهول نیز به همین صورت در قسمت گزاره به کلمه دیگری نیازمند نیست.

اما فرق ساخت فعل مجهول و ناگذار در فارسی: راسخ مهند در مقاله‌ی او می‌گوید: «از جمله فرق‌های ساخت مجهول و ناگذار کاربرد این افعال با قیدهای متفاوت است. فعل معلوم و مجهول متناظر با آن‌به‌علت ظرفیت معنایی یکسان می‌توانند به همراه قیدهای یکسانی که به حالت فعل مربوط هستند، به کار روند. از جمله این قیدها قیدهایی است که به عامدانه بودن فعل از سوی فاعل اشاره دارند. مثلاً در جمله ای معلوم می‌گوییم: «علی عمدا شیشه را شکست». و در مجهول متناظر آن می‌گوییم: «شیشه عمدا» توسط علی «شکسته شد». حال آنکه کاربرد این نوع قیدها به همراه فعل‌های ناگذرا، به دلیل نبودعامل و در نتیجه متفاوت بودن ظرفیت معنایی آنها با ظرفیت معنایی فعل مجهول، به گونه‌ای متفاوت است. در افعال ناگذرا عامل و در نتیجه عمدی نیز وجود ندارد و کاربرد قیدهای عامدانه بودن با فعل ناگذار صحیح نیست و به جای آن از قیدهای نشان دهنده غیر عمدی بودن استفاده می‌شود؛ مثلاً: «شیشه خود به خود شکست». (زرکوب و رضایی، ۱۳۹۱: ۹۸-۹۹، Zarkub and Razāyi, 1391:pa98-99) به نقل از راسخ مهند، ۱۳۶۴: ۷، ۷ (Rāsax mohakad, 1364: 7)

دیگر اختلاف این دو ساخت در این است که ساخت مجهول این ظرفیت را دارد که در آن عامل به صورت متمم حرف اضافه ای ذکر شود و مثلاً: گفته می‌شود: «درس به توسط محمد خوانده شد».، حال آنکه در مورد ساخت ناگذرا چنین امکانی وجود ندارد چون اصلاً عاملی نیست که در جمله آورده شود و نا دستوری است که مثلاً: «آب توسط علی خود به خود ریخت». در جملات مجهول می‌توان «عامل» را با عباراتی چون «توسط» و «به وسیله» ذکر کرد. در جمله‌های ناگذرا می‌توان «سبب» را به همراه حرف اضافه «از» در جمله آورد مثلاً: «آب از حرکت ریخت». یا «آب از چشمه‌ی کوه سرازیر شد» در صورتی که کاربرد حرف اضافه «از» به همراه عامل در جملات مجهول غلط است: (درس از علی خوانده شد). و مانند:

- بیمار پدرم را کشت. یعنی پدرم از مرض مرد. «ناگذرا»
 - علی احمد را کشت. احمد از علی کشته شد. یعنی احمد از علی مرد. و برخی می‌گویند: احمد توسط علی کشته شد.
 این هم غلط است. باید می‌گوید: (احمد کشته شد). فعل این جمله مجهول است چون فعل این جمله گذرا و متعدی می‌باشد. (نک زرکوب و رضایی، ۱۳۹۱: ص ۹۸-۹۹)

دیدگاه‌های تازه ساختمان فعل مجهول فارسی:

- گاه در ساختار فعل مجهول به خصوص در گذشته زبان فارسی به جای فعل «شدن» یکی از فعل‌های «آمدن» «کشتن» و «گردیدن» به کار رفته است. مانند (حدیث یوسف از یاد شد و گفته نیامد) یعنی (گفته نشد). و نیز مولوی بلخی چنین می‌گوید:

خوشر آن باشد که سر دلبران
گفته آید در حدیث دیگران یعنی «گفته شد»

(نک. بصاری، ۱۳۴۸: ۱۸، Basāri, 1348: pa180)

- به اعتقاد شریعت گاهی در ساختار فعل مجهول به جای صفت مفعولی متشکل از {بن ماضی فعل اصلی و «ه»} کلمه دیگری از زبان فارسی یا از زبان عربی می‌آید که معنی اسم مفعول یا صفت مفعولی را می‌دهد، مانند: (پسند آمد «عجب به»، گرفتار شد «فیض علیه»، تعیین شد «عین») که آنها را هم باید فعل مجهول بدانیم (نک شریعت، ۱۳۶۶: ۱۶۷، ari'at, pa167)

(1366 \$)

البته «این دیدگاه درباره‌ی این گونه فعل‌ها دیدگاهی کلی و مشترک در میان همه دستور نویسان نیست. در عربی معادل این گونه فعل‌ها معمولاً مجهول است: «عجب به»، «فیض علیه»، «عین» البته باید توجه کرد که آیا می‌توان جزء اصلی فعل (یعنی قبل از شدن و گردیدن و...) را به معنی صفت مفعولی حساب کرد یا نه، اگر چنین باشد مجموعه‌ی فعل مجهول است. اما در امثال (تشنه شود، بیمار شود) جزء اول معنی صفت مفعولی ندارد و فعل مجهول نیست. (شریعت، ۱۳۶۶: ۱۶۸، ari'at, 1368) \$1366. یعنی در اینجا ممکن است بگوییم: اگر اسم مشتق به معنای صفت مفعول قبل از فعل کمکی مجهول (شدن یا آمدن یا گردیدن) آمد فعل این جمله به صورت مجهول می‌باشد. اما اگر اسم بسیط قبل از (شدن، آمدن، گردیدن) فعل مجهول نیست بلکه فعل اسنادی است مانند: (علی مریض شد).

- «عده‌ای از زبان شناسان معتقدند ساخت‌هایی که در آن‌ها فعل به صورت سوم شخص جمع آمده و فاعل نیز ذکر نشده است؛ مجهول هستند. مانند: «علی را کشتند»، «علی را به بیمارستان بردند» (باطنی، ۱۳۶۴: ۱۳۶، Bāteni, 1364:136، جباری، ۱۳۸۲: ۸۲، Jabāri, 1382:82، حق شناس: ۱۳۸۳: ۱۷۰، Haq šenās, 1383:170). احمد گیوی عقیده دارد فعل‌های نقل و حکایت مانند: (آورده اند، نقل کردند، می‌گویند و...) و برخی فعل‌های دیگر از این دسته اند که می‌توان آنها را فعل مجهول معنایی واقعی نامید. (نک گیوی و انوری، ۱۳۷۱: ۲۶۴).

شمیسا می‌گوید در زبان فارسی کاربرد فعل مجهول رواج چندانی ندارد و به جای آن صیغه سوم شخص جمع به کار می‌رود، مانند انسان را ضعیف آفریدند. و سپس می‌گوید با توجه به دو اصطلاح دستور زبانی و دستور منطقی باید دقت کرد که هر چند فعل «آفریدند» در دستور زبانی فعلی معلوم است و «آفریده شد» فعلی مجهول است، اما در دستور منطقی هر دو فعل مجهول اند و تفاوتی میان آن دو نیست. (نک شمسیا، ۱۳۷۳: ۷۸ به نقل از زرکوب و رضایی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۰) این سخن از دیدگاه دستور منطقی درست است ولی یک چیز بی‌اهمیت است. هر دو تا معنایی فرق دارد، اگر بگوییم: (خدا آسمانها و زمین را آفریدند). درست فاعل این جمله برای شخص سوم است ولی معلوم می‌باشد. اما در جمله‌ی (آسمانها و زمین آفریده شد). درست است که شناسه برای شخص سوم غایب بود ولی معنای شناسه در اینجا ناشناخته است. یعنی مفهوم این جمله در زبان عربی و حتی در زبان فارسی این است که چه کسی این چیزها را خلق کرده است.

- همچنین گروهی از زبان شناسان جمله‌هایی چون «این را می‌توان دور انداخت» و «باید اذعان کرد که...» که دارای فعل غیر شخصی هستند، مجهول می‌دانند. (نک باطنی، ۱۳۶۴: ۱۳۶، جباری: ۸۶). برخلاف این گروه برخی معتقدند فاعل این

فعل هاعلم نه نامعلوم ، وبنا براین ، افعال مجهولی به شمار نمی آیند . (نک بابک : ۱۵) معادل این افعال در عربی همان فعل های بی شخص است که فاعل مشخص ندارند : مثال : (يمكن أن يُطْرَدَ هذا ..) (يجب أن يُعلن ، يَنْبَغِي)

- ساخت هایی چون

- ۱- وی مورد خطاب قرار گرفت « می شود (حُطِبَ) .
- ۲- « از وی دعوت به عمل آمد » می شود (دُعِيَ) .
- ۳- « از او حمایت به عمل می آید » می شود (يُجْمَى) .
- ۴- « در معرض اتهام قرار گرفت » می شود (أُتِّهَمَ)
- ۵- « به قتل رسید » می شود (قُتِلَ) .
- ۶- « به نمایش در می آید » می شود (يُعْرَضُ) .
- ۷- « مورد خشم قرار گرفت » می شود (غُضِبَ علیه) .
- ۸- به نظر می رسد یا به مشام می رسد . می شود « يُعْتَقَدُ » .
- ۹- به موضوع توجه کرد . می شود « غُنِيَ بالموضوع » .
- ۱۰- هلال ماه پشت ابر پنهان شد . می شود « غُمَّ الهلال » .
- ۱۱- بیهوش شد . یا از هوش رفت . می شود « غُثِيَ عليه . »
- ۱۲- شب ، تاریک شد . می شود « جُنَّ الليلُ » .
- ۱۳- بیهوش شد یا به حالت اغما در آمد . می شود « أُغْمِيَ عليه » .
- ۱۴- پشیمان شد . می شود « سَقَطَ في يده » .

دیدیم که برخی از فعل های مجهول عربی هست که در اثر کثرت بکاربرد ، معنای مجهولی را از دست داده و تنها در ساختمان آن معنای مجهول آشکار است . یعنی باید معنای این افعال در زبان عربی به معنای فعل معلوم باشد . ولذا می بینیم که این افعال را در زبان فارسی باید به طور معلوم ترجمه کنند . مانند : « ولَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ قَدْ ظَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَأَنكَوْنَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ » « سورة اعراف ، آیه : ۱۴۹ » و ترجمه ی آن چنین است که (وقتی پشیمان شدند و دیدند که گمراه شده اند ، گفتند : اگر پروردگاران ما را نبخشند قطعا از زیانکاران خواهیم شد .) (یحی معروف ، ۱۳۸۴ : ص ۲۲۴)

یعنی این فعل ها به مجهول نزدیک تر هستند تا معلوم .. گیوی می گوید : « گاهی فاعل فعل معلوم نیست ؛ ولی ما به جای اینکه آن را با ساختار مجهول بیآوریم با عبارت فعلی معلوم می آوریم و به مفعول نسبت می دهیم : « دو چرخه حسین به سرقت رفت » (زردیده شد) ، « هر شب ده ها نفر از پا در می آیند » (کشته می شوند) . « (گیوی وانوری ، ۱۳۷۱ : ۲۶۴) . در ترجمه چنین جملاتی به عربی نیز باید از فعل مجهول استفاده کرد . « سُرِقَ » و « يُقْتَلُونَ »

- از سویی دیگر در مورد فعل هایی چون (منفجر شدن ، باز شدن ، گول خوردن ، شکست خوردن ، تکان خوردن و... اختلاف نظر های زیادی میان زبان شناسان وجود دارد و به طور کلی این نظرات سه دسته اند :

- ۱- آنچه در دستور سنتی آمده مبنی بر اینکه این افعال مجهول اند . (نک باطنی ، ۱۳۶۴ : ۱۳۶)
- ۲- این افعال لازم اند نه مجهول : امروزه عده ای از زبان شناسان این دسته را تأیید می کند و این فرایند را که اینگونه افعال مجهول نیستند و گرچه در معنا با مجهول مشابهت دارند اما در واقع لازم اند . (نک : نائل خانلری : دستور تاریخی : ۱۳۷۳ : ۱۶ ، راسخ مهتد ، ۱۳۶۴ : ۱۰ ، رضایی : ۱۳۸۹ : ۱۹ ، به نقل از زرکوب) رضایی « در مقاله ی خود نظر اصلی فعل مرکب است در « منجر شدن » هم « شدن » جزء اصلی فعل مرکب است نه فعل کمکی مجهول ساز . « وحلمی می گوید : « در فارسی افعالی مانند (زخم خورد ، گول خورد ، به سرقت رفت و... مرکب لازم هستند که معادل آن ها در عربی افعالی مجهول است : (جُرِحَ ، خُدِعَ ، سُرِقَ ، و...) « (حلمی : ۴۰۸ ، در نقل زرکوب) از این گفته می توان استنباط کرد که از دیدگاه وی نیز این افعال فارسی لازم هستند .

۳- برخی می گویند این افعال نه مجهول اند نه لازم ، بلکه فعل میانه هستند . این گروه معتقدند در دستور زبان فارسی ساخت میانه ای نیز وجود دارد که این افعال و نظایر آنها را شامل می شود . (نک : پاکروان ، ۱۳۸۱ : ۳۷ ، جباری ، ۱۳۸۲ : ۸۹ ، به نقل از زرکوب)

- نتیجه گیری

- علاوه بر ساخت معمول مجهول برخی ساخت های دیگر به عنوان مجهول معرفی شده اند که بر آنها اختلاف است ، مانند : ساخت سوم شخص جمع و ساخت های بی شخص . .

- برخی فعل های مرکب با همکرد « شدن » به کار می روند که بر سر لازم یا مجهول بودن آنها اختلاف است . (منفجر شدن) .
- همچنین برخی فعل های مرکب با همکردی غیر از « شدن » به کار می روند که بر سر لازم یا مجهول بودنشان اختلاف است ، مانند ک (گول خوردن) .

- یافتیم که حذف نهاد در جمله های مجهول فارسی لازم است . به همین علت ذکر آن پس از فعل مجهول ضرورتی ندارد ؛ زیرا اگر نیاز به نهاد احساس شود فعل معلوم آورده می شود . امروزه در جمله های معاصر فارسی به تقلید از جمله های انگلیسی که نهاد پس از «by» ذکر می شود ، بعد از فعل مجهول ، نهاد را به صورت سبک و بافت انگلیسی ذکر می کنند . به عنوان نمونه گفته می شود : « سبب توسط علی خورده شد .) . دیدیم که این سبک در متن های قدیم هست و نیز فعل مجهول را با همه شناسه ها تصریف می کردند .

- دیدیم در هر در زبان فارسی مقوله فعل مجهول وجود دارد . و همچنین بانگامی به ترجمه های فارسی شواهدی از ترجمه فعل های مجهول عربی به صیغه عربی به صیغه معلوم می شود . مانند : « ... فَلَمَّا قَرَأَ هُرْمُزُ الْكِتَابِ سَقَطَ فِي يَدِهِ ... » دیدیم که فعل مجهول عربی در زبان فارسی به صورت فعل معلوم ترجمه می شود یعنی این فعل مجهول در این جمله چنین می شود : « هنگامی که هر مز

، نامه را خواند پیشیمان شد. « این فعل فارسی معلوم به جای فعل عرب مجهول « سَقَطَ » ترجمه شده است. « تک . یحی معروف ، ۱۳۸۴ : ص ۲۲۴ »

- در زبان فارسی ساخت‌هایی مانند : « کتاب‌هایم را دزدیدند » به دلیل روشن نبودن فاعل در معنا مجهول اند . برخی این ساخت‌ها را از لحاظ دستوری مختص ساخت مجهول می‌دانند و عده‌ای این رأی را نمی‌پذیرند و آن‌ها را معلوم می‌دانند . اگر این ساخت‌ها را از لحاظ دستوری معلوم تلقی کنیم ، هرگاه در ترجمه « حُکِی » بگوییم « آورده اند » ، « مجهول نحوی - معنوی » عربی در فارسی به صورت « مجهول معنوی » و « معلوم نحوی » آمده است .
- و نیز پیدا کردیم که در زبان عربی فعل های مجهولی وجود دارد که در اثر کثرت کاربردن ، معنای مجهولی را از دست داده و تنها ساختمان ظاهری مجهول در آن‌ها آشکاراست . این فعلها در زبان عربی معنای معلوم دارند و در زبان فارسی باید معلوم ترجمه شوند . مانند : به نظر می‌رسد . می‌شود « یُعْتَقَدُ » ، به موضوع توجه کرد . می‌شود « عُئِیَ » . و این معنا در پژوهش آمده است .

منابع و مأخذ :

- احمد گیوی ، حسن : (۱۳۸۴) ، دستور زبان فارسی فعل ، نشر قطره ، تهران .
- انوری ، حسن ، احمدی گیوی : (۱۳۷۱) ، دستور زبان فارسی ۲ مؤسسه انتشارات فاطمی ، چاپ هفتم ، تهران .
- ، بابک ، علی : (۱۳۶۶) « فعل مجهول و جایگاه نحوی آن » ، رشد آموزش ادب فارسی ، ش ۱۲ - ۱۴ - ۱۶ ، تهران .
- باطنی ، محمد رضا : (۱۳۶۴) ، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی ، مؤسسه انتشارات امیر کبیر ، چاپ سوم ، تهران .
- بصّاری ، طلعت : (۱۳۴۸) ، ناشر کتابخانه طهروری ، چاپ دوم ، تهران .
- پاکروان ، حسین : (۱۳۸۱) « نگرشی ویژه به نمود مجهول در زبان فارسی » (مجله ی زبان شناسی ، س ۱۸ ، ش ۱ ، ۱۹ ، ۹۴) .
- جبّاری ، محمد جعفر : (۱۳۸۲) ، تفاوت مجهول در زبان فارسی و انگلیسی « ، مجله ی زبان شناسی ، س ۱۸ ، ش ۱ ، ۷۸ - ۹۴ .
- راسخ مهندس ، محمد (۱۳۶۴) ، ساخت ناگذرا در فارسی ، مجله ی زبان شناسی ، ش ۵ ، ۱ ، ۲۰ ، تهران .
- زرکوب . منصوره و رضایی سارا : (۱۳۹۱) ، بررسی تطبیقی فعل مجهول در زبانهای فارسی و عربی از منظر دستوری و معنایی ، مجله فنون ادبی (علمی - پژوهشی) دانشگاه اصفهان ، سال چهارم ، شماره ۲ ، (پیاپی ۷) پاییز . زمستان .
- رضایی ، والی : (۱۳۸۹) ، نگاهی تازه به ساخت مجهول در زبان فارسی ، مجله پژوهش های زبان فارسی ، س ۲ ، ش ۱ ، ۱۹ ، ۳۴ و تهران .
- شریعت ، محمد جواد : (۱۳۶۶) ، دستور زبان فارسی ، انتشارات اساطیر ، چاپ دوم ، تهران .
- شمیسا ، سیروس : (۱۳۷۳) ، معانی ، نشر میترا ، چاپ دوم ، تهران .
- وفایی ، عباسعلی : (۱۳۹۱) ، دستور زبان فارسی ، چاپ دوم ، تهران ، .
- غلام ، حسین زاده ، باهمکاری ، فاطمه هادی بخت : (۱۳۹۱) ، اصول نگارش ساده فارسی ، چاپ دوم تهران .
- جعفری ، فاطمه : (۱۳۹۰) ، دستورفارسی کاربردی ، ج ۲ ، ناشر ، مؤسسه لغت نامه دهخدا و مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی ، ج ۱ ، تهران .
- معروف ، یحیی : (۱۳۸۴) ، فن ترجمه ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی « سمت » ، تهران .
- وحیدیان کامیار . تقی باهمکاری غلامرضا عمرانی : (۱۳۹۲) ، ج ۱۴ ، تهران .

-Reference

- Ahmed Kyiv , Hassan : (1389) , Persian verb grammar , Drop Release , Tehran.
- Anvari , Hassan, Ahmed Kyiv : (1371) , Persian grammar 2 , institute of Fatemi publications , 7th edition , Tehran.
- Babok Ali : (1366) , The unknown verb and its syntactic position , Development of Persian Literature ,the number 12- 14- 16 , Tehran.
- Bateni , Mohammad Reza ,ing A description of Persian grammar build , Amirkabir Pulishing Institute Third Edition. Tehran.
- Bssari , Tal'at : (1348) , Persian grammar , Tahoori publishing CO . Tehran .
- Gholam Hossein zadeh , Work With Fatima Hadi Bakhit : (1391) , Simple Farsi Writing Principles , second edition , Tehran.
- Jabari , Muhammad Ja'far : (1382) , The Unknown Difference in Persian Wanklish , Journal of Linguistics , year 18 , the unnumber 1-78 , 94 , Tehran.
- Ja'far Fatima : (1390) , Applied Persian Grammar Part II , Publisher , Institute Dehkoda Dictionary , International Persian Language Learning , First Edition , Tehran.
- Ma'aruf yahyi : (1384) , Translation Fan , Suleiman and the compilation of the books of humanities , (SMT) , Tehran.
- Pakravan Hussein : (1381) , A special view on the unknown expression in Persian , Journal of Linguistics , year 18 , the unnumber 1- 19 , 94 , Tehran.

- Rasak Muhannad , Mohammad : (1364) , Immediate construction in Persian , Journal of Linguistics , the unumber1,5,20 , Tehran.
- Rezayi , Wall : (1389) , Anew introduction to the unknown construction in Persian, Journal of Persian Language Studies , year 2 , the unumber1-19,34, Tehran.
- Sharariat , Mohammad Javad : (1366) , Persian grammar , Mythology publications , second edition , Tehran.
- Shamsa , Cirus : (1373) , Meanings . Mitra Publishing , second edition , Tehran .
- Vahidian . Kamira . Taghi , Collaboration with Rezazadeh : (1392) , Persian grammar 1 , fourteen Edition , Tehran.
- Wafayi , Abbas Ali : (1391) , Persian grammar , second edition , Tehran